

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

۳۱ شهریور ۱۳۷۱

بسمه تعالی

مقام محترم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای

بعد از استغاثه بدرگاه الهی و با استغاثه و استدعا از آن مقام محترم معروض میدارد.

آیا بال ملخی در برابر حشمت و جلال سلیمان، چه مقدار و ارزشی دارد که قلب و هیكل مجروح و مریض خانمی که عنقریب دوازده (۱۲) سال مدام در زیر فشار انواع و اقسام بلاهاست را بمنتهی درجه برسانند؟

آیا سزاوار است آن عظمت و بزرگی سلیمانی و اموال در اختیار ولایت فقیه را با کمتر بال ملخی آلوده گردد؟ و آه و حنین بی‌ارادوی خانمی بآن درگاه برسد؟ نه، نه. به بزرگواری خداوند سوگند اگر بدانید که این یازده (۱۱) سال چه بر من گذشته و یا اکنون چگونه فشار بر روی شانه‌هایم است، شما که بر کرسی عدل حضرت علی جالس هستید، از عنایت و مرحمت خود مرا محروم نمی‌نمودید و از درگاه خود مرا نمی‌راندید و حتی ملاقاتی بمن لطف می‌فرمودید اینجانب همسر مهندس سرهنگ بازنشسته ستاد حسین و حدت‌حق که روزگاری استاد دانشکده افسری بوده، در مهرماه ۱۳۶۰ دایره مبارزه با منکرات با انگیزه اینکه بهائی و بهائی‌زاده بوده است، او را بازداشت و در چند نوبت آپارتمان مسکونی ما را که مالکیت آن طبق سند متعلق باینجانب می‌باشد اثاث آنرا من جمله کلیه وسائل برقی و فرش و طلا و غیره غیره و اتومبیل او را قبل و بعد از اعدام بردند و عاقبت بخاطر عقایدش که پرونده و حکم آقای طباطبائی از آن حکایت دارد، او را اعدام نمودند. اکنون مدت ۱۲ سال از شروع آن می‌گذرد.

[تشکیلاتی بنام ستاد اجرائی فرمان حضرت امام «اموال در اختیار ولایت فقیه» مدعی تلفنی که سالها در آپارتمان ملکی من بوده است ولی بنام همسر من است شده و آن را قطع و تغییر نام داده است و می‌گویند تنها زیر زمین متعلق به همسر من است که در اجاره بوده است و می‌باشد و از طرف دادستانی انقلاب در یازده (۱۱) سال پیش کرایه آن بطور امانی دریافت می‌شده و دیناری بمن نداده‌اند، آنرا مصادره و تصرف و تملک خواهند کرد. ضمناً بموجب پرونده‌هایی که در کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی تشکیل شده و وصینامه شوهرم که بمن داده‌اند - و بدهی‌های او که از آن مطلع بوده‌ام - شوهرم بدهی‌هایی که سالها پرداخت آن بتعویق افتاده است - دارد، که فشاری مالی و روحی بر من می‌باشد.

[حضرت آیت الله خامنه‌ای، در سال ۱۳۶۰ حاکم شرع آقای طباطبائی در آخرین لحظه، در حکم نوشته‌اند، می‌گویند: استرداد حقوقات ماهیانه سی (۳۰) ساله خدمتش، ایشان بعلت بازجویی مکرر از همسر من، استرداد حقوق را تأیید نکردند. و اکنون پس از یازده (۱۱) سال اموال او را در برابر حقوقات ماهیانه که در برابر کار و خدمت دریافت شده و خرج خانواده گردیده است، را حال که جسدش هم متلاشی و پوسیده شده است به نفع ستاد اجرائی فرمان حضرت امام (اموال در اختیار ولایت فقیه) مصادره می‌نمایند، در حالیکه اکنون به عنایت مقامات رهبری و غیره، عده‌ای را از استرداد حقوقات عفو نموده‌اند، مضافاً حقوقات بازنشستگی ما قطع است.

[حضرت آیت الله خامنه‌ای بخداوند سوگند دارائی همسر کمتر از بال ملخی در برابر حشمت و جلال شماس است لهذا از آن مقام محترم که بر کرسی عدل حضرت علی (ع) جالس می‌باشید، ملتزمانه تقاضا دارم عنایت و مرحمت فرموده، دستور فرمائید تنها آپارتمان ملکی همسر من که در زیرزمین واقع و از دو اطاق و یک سرسرا تشکیل می‌شود و تلفنی که بنام اوست ولی در آپارتمان من بوده است از طرف دادگاه انقلاب جناب آقای نیری باینجانب بازگشت داده شود، تا بدهی‌های او را طبق وصیتنامه‌ی وی که تا آخر عمر مکلف شرعی و عرفی به پرداخت می‌باشم، را پرداخت نموده و کمک به من تنها و بی‌سرپرست بشود. ضمناً عرض می‌نمایم که تا کنون مسئولین مربوطه گفته‌اند و احکام صادره

قبل حکایت داشته، اموال و اتومبیل که برده‌اند در قبایل بدهی‌های دولتی او بوده است و کاری با آپارتمان او ندارند و باین جانب عودت داده میشود. پرونده های من در کمیسیون اصل ۹۰ - ۲۵ / ۱۲۲۹۸ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۱ و ظاهراً در نزد جناب آقای نیری حکم شماره ۲۲۷۹۴ بتاريخ ۶ خرداد ۱۳۷۰ شد. فتوکی و وصیتنامه همسر من که از طریق کمیسیون ۹۰ دریافت شده و آنها نیز از پرونده دادستانی با مکاتبه دریافت نموده بودند بضمیمه تقدیم میشود.

آدرس: [حذف شده]

با تقدیم احترامات فائقه

پریدخت وحدت حق

[امضاء] ۳۱ شهریور ۱۳۷۱

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]